

نگاهی به وضعیت حقوقی اشخاص بیگانه و رعایت مقتضیات

در حقوق بین الملل خصوصی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۰۹)

الناز صادقی^۱

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه گیلان

محمد جوادنیا ریک

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه علمی کاربردی تالش

چکیده

همواره برخی افراد، برای زمانی کوتاه یا بلند، در سرزمینی جز کشور متبوع خود زندگی می‌کرده‌اند، از این رو تقسیم ساکنان هر کشور به اتباع و بیگانگان از دوران باستان وجود داشته است. حقوق و وظایف بیگانگان در جوامع و ادوار گوناگون تاریخی یکسان نبوده است و همچنین نقطه آغازین رسمیت یافتن حقوق بیگانگان، حقوق روم باستان بود که در آن با تاثیر از فلسفه یونان درباره حقوق فطری، برای بیگانگان حقوقی با نام حقوق ملل مقرر شد. امروزه، در قوانین همه ی کشورها، وجود شخصیت حقوقی پذیرفته شده است. این اشخاص حقوقی نیز، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: اشخاص حقوقی داخلی و اشخاص حقوقی بیگانه. اصل بر آن است که اشخاص حقوقی بیگانه از کلیه حقوق مقرر در قوانین ایران برخوردارند؛ مگر آنکه قانون، بطور صریح، آن‌ها را از برخی از آن حقوق، محروم کرده باشد. در این مقاله سعی و تلاش شده تا مطالب مفید و تاثیر گذار واقع شود. در این مقاله ابتدا به تعریف شخص و اقسام شخص و بعد در مورد اقسام بیگانگان، رعایت مقتضیات در حقوق بین الملل و... پرداختیم.

واژگان کلیدی: حقوق بین الملل، اتباع خارجی، تابعیت، اقامتگاه، اشخاص حقوقی

مقدمه

اهمیت مسائل مربوط به وضعیت اشخاص حقوقی، کمتر از مسائل راجع به وضعیت اشخاص حقیقی نمی‌باشد. چه در حال حاضر، اشخاص حقیقی، خواه در محیط داخلی و خواه در روابط بین‌المللی، مقاصد و فعالیت خود را بطور جمعی، به عنوان اشخاص حقوقی، به موقع اجرا می‌گذارد. هرچند برخی علما، قائل به اعطاء شخصیت به این قبیل گروه‌ها نیستند، و عقیده دارند که شناختن شخصیت جداگانه به جمعیتی مرکب از اشخاص حقیقی، امری است موهوم؛ لیکن این عقیده، امروز، رونقی ندارد. و در عصر حاضر، شناختن شخصیت برای این جمعیت‌ها، مورد اتفاق علما می‌باشد. ولی انگیزه‌های اجتماعی و فطری بشر در کنار مسائل دیگری چون جنگ و تجارت باعث شد که دامنه مبادلات و ارتباط بین افراد کشور‌های مختلف با یکدیگر افزوده شود بطوریکه امروزه نمی‌توان کشور و ملتی را بدون روابط با کشور‌های دیگر متصور بود.

بخش اول: تعریف شخص و اقسام اشخاص

شخص و شخصیت، از لحاظ حقوقی به معنای موجودی است که می‌تواند طرف مثبت یا منفی حقوق و تعهدات قرار گیرد. بدین ترتیب قابلیت موجودات را برای آنکه طرف حق و تکلیف واقع شوند را شخصیت می‌گویند. در حقوق اروپایی، پیش از پیدایش مسیحیت، کلمه لاتین (persona) اشاره به ماسکی داشت که به وسیله بازیگران در صحنه تئاتر پوشیده می‌شد. ماسک‌های متنوع حاکی از اشخاص گوناگون در صحنه نمایش بود. در حقوق رم، کلمه پرسونا همچنین می‌توانست برای اشاره به هویت‌های حقوقی به کار رود. در زبان حقوقی، هر انسان زنده شخص حقوقی است که در یک جامعه دارای حق و تکلیف است و یا می‌تواند اعمال حق و تکلیف کند. در زبان حقوقی شایستگی شخص برای دارا شدن حق و تکلیف را شخصیت می‌گویند. در یک تقسیم‌بندی، شخص را می‌توان به شخص حقیقی (انسان) و شخص حقوقی تقسیم نمود. در حقیقت و نفس الامر تنها انسان دارای حق و مکلف به تکلیف می‌تواند باشد و حقوق فقط برای تنظیم روابط مردم با یکدیگر ایجاد شده است. بر خلاف قوانین قدیم که حیوانات را هم دارای پاره‌ای از حقوق و تکالیف معرفی می‌کردند. امروزه فقط انسان می‌تواند طرف حق و تکلیف قرار گیرد نه حیوانات. در جوامع امروزی تمام اشخاص دارای شخصیت می‌باشد، ولی در گذشته، بردگان فاقد شخصیت بودند و یا شخصیت آن‌ها ناقص بود.

در یک بیان ساده شخص حقوقی عنصری است که بتواند از کیفیت و امتیاز فردیت و ابدیت برخوردار شود. شخص حقوقی واحدی است که قانون آن را به عنوان شخص شناسایی کرده است و دارای حقوق شدن باشد و از طرف دیگر باید ظرفیت انجام وظیفه و تعهد را نیز دارا باشد. شخص حقوقی که وارد قرارداد می شود ممکن است. مرتکب خلاف یا جرمی شود و از این جهت در محاکم مورد اتهام قرار گرفته و محکوم شود، شخص حقوقی می تواند طرف دعوا واقع شود اعم از خواننده یا خواهان، شاکی یا مشتکی عنه. (مهاجریان، ۱۳۷۳)

بند اول: بررسی مفهوم شخص حقوقی

در نظام حقوقی ایران تعریف کامل از شخصیت حقوقی که مورد توافق تمام حقوقدانان باشد ارائه نشده است و قوانین و رویه قضائی نیز صرفاً به شناسایی شخصیت حقوقی پرداخته اند ولی تعریفی از آن ارائه نداده اند. با این وجود، با جمع بندی تعاریف گوناگون که توسط حقوقدانان کشورمان ارائه شده است می توان تا حدودی مفهوم و ماهیت شخصیت حقوقی را تبیین و تشریح کرد.

دکتر شایگان، نهاد شخصیت حقوقی را این گونه به رشته تعریف در می آورد شخص حقوقی یا اعتباری، عبارت است از دسته ای افراد انسانی یا موسسه ای از موسسات تجاری یا خیریه و امثال آنهاست که قانون به آن ها شخصیت می دهد، یعنی برای آن ها حقوق و تکالیفی شبیه حقوق و تکالیف انسان تا آنجا که میسر است قائل می شود. دولت شهرها، شرکت های تجاری، دانشگاه ها و بیمارستان ها نمونه ای از اشخاص حقوقی هستند.

از دیدگاه دکتر کاتبی: شخص حقوقی اجتماع و تشکیل و همبستگی افراد انسانی است که به منظور انجام مقاصد و اهدافی اعم از انتفاعی و غیر انتفاعی تحت شرایط و مقررات قانونی به وجود می آید. در این تعریف جهت تشکیل شخصیت حقوقی، اشخاص حقیقی تنها عنصر محوری به حساب آمده است در حالی که تعریفی دیگر به این نکته نیز اشاره نموده است که اشخاص حقوقی نیز می توانند شخصیت حقوقی جدیدی را ایجاد کنند. به موجب این تعریف: شخص حقوقی عبارت است از شخصیتی که به وسیله شخص یا اشخاص، اعم از حقیقی و حقوقی به وجود می آید و می تواند دارای همه ی نوع دارایی، حقوق و تکالیف و اعمال جز آنچه مختص به فرد انسان است بشود. (صفایی، ۱۳۸۱)

بخش دوم: اقسام بیگانگان

بند اول: از نظر شخصیت

از این حیث بیگانگان به دو گروه اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی تقسیم می شوند. اشخاص حقیقی که اکثریت بیگانگان را شامل می شود همان انسان ها هستند که حقوق و تکالیف آن ها باید متناسب با شان و مقام انسان تعیین شود. اشخاص حقوقی که از مجموع افراد انسانی تشکیل می شوند به منظور انتفاع یا هدفی دیگر با یکدیگر همکاری می کنند و به موجب قانون دارای شخصیتی مستقل از اشخاص تشکیل دهنده آن می شوند (نظیر شرکت های تجاری، موسسات بیمه و...) نیز دارای حقوق و تکالیفی می باشند که بر مبنای منافع متقابل دولت پذیرنده (محل فعالیت) و صاحبان آن شرکت ها و موسسات شکل می گیرد. به طور کلی حقوق و تکالیف هر دو گروه مذکور بر اساس قوانین و مقررات دولت پذیرنده، قرارداد های میان دولت ها و اشخاص و نیز اصول و موازین حقوق بین الملل مشخص می گردد.

بند دوم: از نظر مناسبات با دولت متبوع

از این نظر نیز بیگانگان به دو دسته تقسیم می شوند. اکثریت آنان دارای رابطه عادی با دولت متبوع خود می باشند. لذا هیچگونه خوف و هراسی در بازگشت به کشورشان نداشته و چنانچه در کشور محل اقامت لطمه یا خسارت ببینند و دولت محل اقامت در صدد جبران لطمه یا خسارت برنیاید، می توانند حمایت سیاسی دولت متبوع خود را خواستار شوند. اما عده قلیلی از بیگانگان از داشتن رابطه و پیوند سیاسی و حقوقی با دولت دیگر محروم می باشند. در این میان برخی مانند اشخاص آپاترید با هیچ دولتی رابطه سیاسی و حقوقی ندارند و چنانچه قبلاً گفته شد، در صورت ورود لطمه یا خسارت از حمایت سیاسی محرومند و بعضی دیگر مانند پناهندگان که به دلایل گوناگون سیاسی، نژادی، مذهبی و... از کشور خود گریخته و به کشور های خارجی پناهنده شده اند، عملاً رابطه خود را با دولت متبوع خود قطع نموده و در صورت ورود لطمه یا خسارت، تا زمانی که امکان اذیت و آزار از سوی حکومتشان وجود داشته باشد، نمی توانند حمایت سیاسی دولت متبوع خود را تقاضا نمایند.

بخش سوم: اصول و مبانی حقوق بیگانگان

بر خلاف زمان حاضر که شناختن حق تمتع بیگانگان از حداقل حقوق در کشورهای دیگر از اصول مسلم حقوق بین الملل به شمار می آید و دولت ها ملتزم به وضع مقررات و قوانینی هستند که این حداقل را برای بیگانگان تامین و تضمین نماید، در گذشته کمتر دولتی چنین حقوقی را برای بیگانگان قائل می شده است. (ربکا، ۱۳۸۷)

بند اول: رعایت مقتضیات حقوق بین الملل

۱- معیار رفتار ملی

بر اساس نظریه استاندارد ملی یا رفتار ملی برابر، بیگانه به جای برخورداری از رفتار یا وضعیت ویژه، از همان حقوق و امتیازات اتباع کشور میزبان برخوردار می گردد. دیدگاه رفتار ملی از مفاهیم برابری کشورها و حاکمیت سرزمینی نشأت گرفته و طرفداران این معیار می گویند که چون بیگانگان باید از قوانین محل اقامت اطاعت کنند و در واقع به شرایط محلی با همه منافع و مضرات تسلیم شده اند، لذا تنها مجاز هستند انتظار رفتار برابر با اتباع را از کشور پذیرنده داشته باشند. لازم به یادآوری است که در این دیدگاه بعضی از نابرابری ها مجاز است. به عنوان مثال، ضرورتی ندارد که اتباع بیگانه از حقوق سیاسی برخوردار باشند و یا می توان در قوانین محدودیت هایی را برای استخدام برخی مشاغل در نظر گرفت و این امر به منزله تعارض با معیار رفتار ملی برابر نیست، چرا که این امور مربوط به مصالح ملی و اعمال حاکمیت است و برابری کامل بیگانگان با اتباع ممکن است استقلال کشور را در ابعاد مختلف مخدوش سازد.

۲- معیار استاندارد بین المللی حداقل

اگر چه هر کشوری برای ورود بیگانگان به قلمرو خود شرایطی را در نظر می گیرد، در هر حال این کشورها مکلف به پذیرش اتباع بیگانه نیستند، به محض اینکه بیگانه ای با احراز آن شرایط برای ورود به قلمرو کشوری پذیرفته شود، آن کشور می بایست نسبت به تعیین حداقل حقوق برای شخص مذکور بر اساس مصالح و مقتضیات جامعه خود از یک طرف و از طرف دیگر الزامات و تعهدات بین المللی دولت برای صیانت از حقوق فرد در روابط بین المللی اقدام نماید. (بیگدلی،

بند دوم: منابع داخلی حقوق بیگانگان

قوانین داخلی هر کشور در صورتی که حداقل حقوقی را که مطابق اصول کلی حقوق بین الملل برای بیگانگان پیش بینی شده رعایت بنماید، می توانند با در نظر گرفتن سیاست عمومی کشور هر طور که بخواهند وضع اجانب را معین و مشخص نمایند. در ایران با القای کاپیتولاسیون به تدریج مقرراتی در زمینه رفتار با بیگانگان مطابق با موازین بین المللی به تصویب رسید. این مقررات باعث شده که نظام حقوق ایران در زمینه رفتار با بیگانگان رویه واحدی را، صرف نظر از تابعیت آن ها، اتخاذ کند. نخستین سند در این زمینه اصل ششم متمم قانون اساسی مشروطیت به این عبارت بود: جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مامون و محفوظ است مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثناء می کند. (ارفع نیا، ۱۳۸۲)

بند سوم: شرط دول کامله الوداد

قید دولت کامله الوداد یا ملت کامله الوداد شرطی است که در بسیاری از معاهدات بین المللی و بیشتر در پیمان های بازرگانی به چشم می خورد. گاهی نیز ممکن است دولتی در برابر دولت متعاقد دیگر متعهد شود که حداکثر حقوقی را که آن دولت در موردی معین برای اتباع دولت های ثالث از قبل شناخته یا بعد از آن خواهد شناخت برای اتباع آن دولت متعاقد نیز قائل شود که به این عمل شرط دول کامله الوداد گویند. بدین صورت که وقتی دولت الف با دولت ب به موجب معاهداتی برای اتباع دول ثالث حقوقی بیش از میزان مقرر در این معاهده پیش بینی شده باشد، اتباع دول الف و ب در قلمرو یکدیگر از همان حقوقی که برای سایر بیگانگان در نظر گرفته شده است متمتع خواهند شد. شرط دول کامله الوداد در همان مورد خاص و معینی که در معاهده تصریح گردیده، موثر است و اصولاً در عهدنامه های تجاری یا گمرکی و یا معاهده مودت درج می شود. (کیانی، ۱۳۵۰)

بخش چهارم: آغاز شخصیت حقوقی بیگانه در ایران

۱- کشور

در رابطه با آغاز شخصیت حقوقی دولت کشور، دو نظر در حقوق بین الملل ارائه شده است. عده ای از حقوقدانان معتقدند دولت، کشور با داشتن عناصر سه گانه جمعیت، سرزمین و قدرت سیاسی تنها زمانی دارای شخصیت حقوقی می شود که به وسیله کشور های دیگر به رسمیت شناخته شود.

در واقع این عده برای شناسایی کشورها نقش تاسیسی قائل می باشند و معتقدند صرف داشتن عناصر سه گانه، به دولت، کشور شخصیت حقوقی نمی دهد. اما نظریه مورد قبول در عرف بین المللی این است که دولت، کشور به محض اجتماع سه عامل تشکیل دهنده آن؛ یعنی جمعیت، سرزمین، قلمرو و قدرت سیاسی ایجاد خواهد شد و شناسایی که قاعده حقوق است، عامل تشکیل دهنده ای برای کشور محسوب نمی شود، بلکه صرفاً به منزله اعلام ورود کشور جدید به صحنه بین المللی از سوی سایر کشورهاست و می تواند سرآغاز روابط دیپلماتیک و انعقاد معاهدات بین المللی با کشور یاد شده باشد.

۲- سایر شخصیت های حقوقی عمومی

در رابطه با آغاز شخصیت اشخاص حقوق عمومی، ماده ۵۸۷ قانون تجارت مقرر می دارد که: موسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می باشند. بنابراین مطابق این ماده همین که یک شخص حقوقی عمومی مطابق قانون تشکیل شد، دارای شخصیت حقوقی می باشد و این دسته از اشخاص برای داشتن شخصیت حقوقی نیازی به ثبت ندارند. با این وجود ممکن است ثبت برخی از موسسات و تشکیلات دولتی به موجب برخی قوانین خاص الزامی باشد. به عنوان مثال به موجب ماده ۱ آیین نامه قانون تاسیس شرکت اتوبوس رانی مصوب ۱۳۲۴/۱۱/۱۴ شرکت سهامی اتوبوس رانی عمومی باید براساس مقررات قانون تجارت به ثبت برسد. البته مطابق ماده ۵۸۷، این شرکت قبل از ثبت نیز واجد شخصیت حقوقی می باشد، اگر چه ثبت آن الزامی است. (مهاجریان، ۱۳۷۳)

بخش پنجم: اقامتگاه اشخاص حقوقی بیگانه

۱- تعریف اقامتگاه اشخاص حقوقی

یکی از ممیزات اشخاص حقوقی اقامتگاه می باشد. در رابطه با اقامتگاه بین قانون تجارت و قانون مدنی تعارض وجود دارد. زیرا مطابق ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی اقامتگاه شخص حقوقی را مرکز عملیات شرکت می داند در حالی که ماده ۵۹۰ قانون تجارت اقامتگاه شرکت های تجاری را مرکز اصلی شرکت می داند. در شورتی که مرکز عملیات شرکت و مرکز اصلی شرکت در یک مکان واقع شوند عملاً تعارضی پیش نمی آید، اما تعارض زمانی بروز پیدا می کند که مرکز عملیات شرکت در یک مکان بوده ولی مرکز اصلی آن در نقطه دیگری واقع شده باشد. برای

مثال، شرکتی برای استخراج معدن در لرستان تشکیل می شود اما مرکز اصلی، یعنی تشکیلات شرکت در تهران قرار دارد. در این حالت، مطابق قانون مدنی اقامتگاه شرکت در لرستان قرار دارد ولی مطابق قانون تجارت اقامتگاه شرکت در تهران واقع شده است. عده ای از حقوقدانان معتقدند که بین قانون مدنی و قانون تجارت تعارضی وجود ندارد. در واقع، منظور قانونگذار مدنی از مرکز عملیات شرکت همان مرکز اداره شرکت در ماده ۵۹۰ قانون تجارت می باشد.

۲- اهمیت و آثار اقامتگاه اشخاص حقوقی

اقامتگاه برعکس تابعیت که رابطه معنوی یک شخص با کشور خاصی می باشد، رابطه مادی و حقوقی است که شخص با یک محل خاصی پیدا می کند و ناشی از سکونت و یا این امر می باشد که مرکز امور مهم او در آن منطقه قرار دارد. بنابراین بر خلاف تابعیت که ممکن است اصولاً شخص ساکن کشور نباشد اما تابعیت آن کشور را دارا باشد. اقامتگاه مستلزم ارتباط مادی با محل خاصی می باشد. اقامتگاه هم از جنبه داخلی و هم بین المللی دارای آثار مهمی است. اشخاص حقوقی، مانند اشخاص حقیقی، از لحاظ روابطی که با سایر اشخاص برقرار می کنند، لازم است که در محل معینی حاضر محسوب شوند. به عبارت دیگر، برای این اشخاص ضرورت دارد که اقامتگاهی داشته باشند. (نصیری، ۱۳۸۸)

نتیجه گیری

امروزه با پیشرفت علوم ارتباطات، فناوری و رقابت های فشرده تجاری و بازرگانی بین الملل اشخاص حقوقی از اهمیت زیادی برخوردار می باشند و در بسیاری از فعالیت های اقتصادی، تجاری و غیر تجاری اشخاص حقوقی جایگزین اشخاص حقیقی می شوند، زیرا اشخاص حقیقی به دلیل محدودیت امکانات از توانایی محدود برای فعالیت در این عرصه ها برخوردار می باشند. برای مثال، اشخاص حقوقی تاجر با دارا بودن سرمایه و نیروی متخصص و کار آزموده امکان رقابت اشخاص حقیقی تاجر با خود را غیر ممکن ساخته اند. در رابطه با اهداف غیر تجاری نیز چنین شرایطی حاکم می باشد. پس می توان گفت وجود اشخاص حقوقی لازمه رقابت و فعالیت در دنیای کنونی می باشد. اشخاص حقوقی را می توان اینگونه تعریف کرد: اشخاص حقوقی عبارتند از یک گروه یا جمعیت که برای رسیدن به هدف خاصی با هم همکاری می کنند و قانونگذار برای آن ها شخصیت حقوقی مستقل در نظر گرفته است، یعنی دارای حقوق و تکالیفی

جدای از اعضای تشکیل دهنده خود می باشند. همچنین ممکن است تخصیص پاره از اموال برای استفاده در موارد خاص (وقف) نیز ایجاد شخصیت حقوقی نماید. تابعیت اشخاص حقوقی از این جهت دارای اهمیت می باشد که اشخاص حقوقی بیگانه از بسیاری از حقوق که قانونگذار برای اتباع داخلی در نظر گرفته محروم می باشند. برای مثال مطابق اصل ۸۱ اعطای امتی از به خارجیان ممنوع می باشد و یا اشتغال اتباع بیگانه تنها تحت شرایط محدودی در ایران اجازه داده شده است. همچنین اشخاص بیگانه تنها می توانند از حمایت دیپلماتیک دولت متبوع خود در صحنه بین المللی استفاده کنند. در رابطه با تابعیت اشخاص حقوقی، ماده ۵۹۰ قانون تجارت، تابعیت شخص حقوقی را تابع اقامتگاه شخص حقوقی می داند.

منابع و مآخذ

- ۱- ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۳). حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات سمت
- ۲- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۵۵). حقوق اداری، جلد اول، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران
- ۳- ارفع نیا، بهشید (۱۳۸۲). حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، چاپ پنجم، انتشارات بهتاب
- ۴- امامی، حسن (۱۳۴۷). حقوق مدنی، جلد چهارم، چاپ دوم، کتاب فروشی اسلامیه
- ۵- برانلی، یان (۱۳۸۳). حقوق بین الملل در واپسین سال های قرن بیستم، ترجمه: صالح رضایی پیش برات، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- ۶- پاسبان، محمدرضا (۱۳۸۵). حقوق شرکت های تجاری، انتشارات سمت
- ۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۲). ترمینولوژی حقوق، چاپ سی و هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش
- ۸- درودیان، جزوه حقوق مدنی ۱، دانشگاه حقوق و علوم سیاسی
- ۹- دمیرچیلی، محمد و علی حاتمی و محسن قرائی (۱۳۸۱). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، انتشارات میثاق عدالت
- ۱۰- دمیرچیلی، محمد و علی حاتمی و محسن قرائی (۱۴۰۲). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ سی ام، انتشارات آوا
- ۱۱- رابرت، بلدسو و بوسلاو بوسچک (۱۳۷۵). فرهنگ حقوق بین الملل، ترجمه: علیرضا پارسا، چاپ اول، انتشارات قومس
- ۱۲- زایدل هومن فلدرن، آیگناتس (۱۳۷۹). حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه: سید قاسم زمانی، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی
- ۱۳- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۴۷). حقوق تجارت، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۴- شایگان، علی (۱۳۷۵). حقوق مدنی ایران، چاپ اول، انتشارات طه
- ۱۵- صفار، محمدجواد (۱۳۷۳). شخصیت حقوقی، چاپ سوم، نشر دانا
- ۱۶- صفایی، حسین و مرتضی قاسم زاده (۱۳۸۱). اشخاص و محجورین، چاپ هفتم، انتشارات سمت
- ۱۷- صقری، منصور (۱۳۴۳). حقوق تجارت، چاپ علمی

۱۸- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷). حقوق بین الملل عمومی، چاپ سی و پنجم، انتشارات گنج دانش

۱۹- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۱). حقوق بین الملل عمومی، انتشارات گنج دانش

۲۰- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۴). حقوق اداری، جلد سوم، چاپ دهم، انتشارات سمت

۲۱- علائی، محمدهادی (۱۳۹۰). بررسی وضعیت اشخاص حقوقی بیگانه در حقوق بین الملل خصوصی ایران

۲۲- کاتبی، حسین قلی (۱۳۶۴). حقوق تجارت، چاپ دوم، انتشارات کتاب فروزان

۲۳- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، چاپ دوازدهم، انتشارات بهنشر

۲۴- کیانی، کریم (۱۳۵۰). حقوق بازرگانی، جلد اول، چاپ دوم

۲۵- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۶۹). حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، انتشارات احمدی

۲۶- معظمی، عبدالله (۱۳۳۲). حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات دانشگاه تهران

۲۷- معین، محمد (۱۳۶۲). فرهنگ معین، جلد اول، انتشارات سپهر

۲۸- موسی زاده، رضا (۱۳۸۱). حقوق اداری، چاپ سوم، بنیاد حقوقی میزان

۲۹- مهاجریان، عباس (۱۳۷۳). شخصیت حقوقی، چاپ اول، انتشارات فردوسی

۳۰- نصیری، محمد (۱۳۸۸). حقوق بین الملل خصوصی، چاپ نوزدهم، انتشارات آگاه

۳۱- نوس با، آرتور (۱۳۳۷). تاریخ مختصر حقوق بین الملل، ترجمه: احمد متین دفتری، انتشارات

امیر کبیر

۳۲- والاس، ربکا (۱۳۸۷). حقوق بین الملل، ترجمه: سید قاسم زمانی، انتشارات شهر دانش